



رامایانا

در روایت آوازی، سایه بازی

و نمایش عروسکی در هند

ترجمه ی هلیا دارابی

«رامایانا» حماسه ی معروف هندوان، منظومه ای ست به زبان سانسکریت در برگیرنده ی ۴۸۰۰۰ بیت درباره ی سرگذشت و جنگ های «راما»، یکی از پادشاهان اساطیری هند. «راما» مردی قدرتمند و جنگجوست که جنبه هایی خداگونه دارد. «رامایانا» که شرح زندگی و جنگ های این قهرمان «سیتا» و همسر زیبا و جنگجوی اوست، نخستین بار توسط والمیکی نگاشته شد. پژوهشگران آسیایی و اروپایی، درباره ی تاریخ نگارش این اثر اختلاف نظر زیادی دارند. برخی آن را مربوط به قرن دوازدهم پیش از میلاد و برخی تا قرن چهارم پس از میلاد دانسته اند؛ اما به نظر می رسد که نویسنده در حدود قرن سوم پیش از میلاد می زیسته است.

افسانه ی «راما» - برخلاف داستان بودا - داستانی زنده و فعال است که در انواع گوناگون هنرهای نمایشی و تجسمی هند ریشه دوانده است. سبک های گوناگون رقص، نمایش سایه ای و نمایش عروسکی، آوازه خوانی روایتی و نیز تک خوانی های شیوه پردازش شده، اغلب به نوعی شامل موضوع «راما» هستند. در محدوده های هنرهای تجسمی نیز دیوار نگاره ها و تصاویر زیادی از این موضوع وجود دارد. به عنوان مثال به زحمت می توان مکتبی از نگارگری هندی در حدود قرن هجدهم یافت که شامل موضوع «رامایانا» نشود.

ه . د .

روایت آوازی افسانه ها بی گمان پیشینه ساز نمایش بوده است. این رسم هنوز و همچنان در روستاها و نیز برخی مناطق شهرنشین در سراسر هند رواج دارد.

روایتگری آوازی و تک خوانی در هر ناحیه شکل خاص خود را دارد. روایتگر / خواننده در واقع یک بازیگر تک گو است که نقل می کند، آواز می خواند، نقش بازی می کند و به این طریق داستانی را حکایت می کند. او گاهی متن در دست دارد؛ اما اغلب بدون متن به اجرای نقش می پردازد. «رامایانا» یا «راماکاتا» بخش جدایی ناپذیر برنامه ی نمایشی این روایتگران آوازی ست؛ گرچه این داستان در نواحی خاصی از هند، جای خود را به قصه ها و افسانه های باستانی، اعم از اسطوره ای تا حماسی و امروزه حتی به هجویه های اجتماعی و سیاسی سپرده است.

در «اورسا» نوعی خاص از روایت آوازی به نام «داساکاتیا» رواج دارد. نام آن برگرفته از قطعاتی چوبی ست که به عنوان تنها آلت موسیقی همراهی کننده با این نوع آواز به کار می روند و «داساکاتی» یا «راماتالی» نام دارند. موضوعات از «مهابهاراتا» و «رامایانا» انتخاب می شوند. متنی که مورد استفاده قرار می گیرد، «آریا ویکیترا رامایانا» نام دارد. آوازه خوانان «آریا» سایر نسخه های آریایی «رامایانا» را نیز به کار می برند؛ برای نمونه می توان از «بالاراماداسا» و «داندیا رامایانا» نام برد. داستان تولد «سیتا» [از قهرمانان اصلی داستان های «رامایانا» و

همسر راما [همانند «تایی» در نسخه‌ی مالزیایی ست؛ مطابق این نسخه، «سیتا» توسط «راوانا» طرد می‌شود.

زمان تصنیف تمام این نسخه‌ها به قرن شانزدهم و پس از آن برمی‌گردد؛ اما عبارات و بخش‌های جدیدی به مرور به آن‌ها اضافه شده است. خواننده قطعاتی منظوم به نام‌های «کهندا» «شانتیلا» و «شامپادی» (چانپادی) را به کار می‌گیرد و تصنیف در دو شیوه‌ی مخصوص هندی به نام‌های «لاوا» و «وریتا» اجرا می‌شود.

روایتگری آوازی افسانه‌ای تنها به دهکده‌های سنتی و کهن محدود نمی‌شود؛ بلکه دوره‌های آواز در شهرها نیز برپا می‌شود و محبوبیت و رواج آن رو به افزایش است. در واقع، این آوازه‌ها، بر روی انواع بی‌شماری از آثار هنری، چه ادبی و چه نمایشی تأثیر می‌گذارند. در ایالت «آندرا پرادش» نوع دیگری از آوازخوانی به نام «بوراکاتا» رواج دارد؛ و آن گونه‌ای از نمایش روایی ست که توسط بازیگری تک و یا گروه سه نفری «بازیگر / خواننده»ها اجرا می‌شود. روایتگری مستقیم بسیار قوی، مشخصه‌ی این نوع نمایش است. برنامه‌ی نمایش بدون استثنا همواره شامل آواز «رامایانا» ست؛ اما این بار نسخه‌ی «تلگو» که به نام «دوی پادا رامایانا» یا «رانگاناتا رامایانا» معروف است و تصنیفی ست مربوط به قرن دوازدهم، به کار می‌رود. «دوی پادا» نام خود را از الگوی شعر می‌گیرد. تغییرات و انحرافات زیادی از نسخه‌ی اصلی در اینجا دیده می‌شود: شخصیت «لکشمانا» در اینجا اهمیت زیادی دارد. داستان از این قرار است که «راما» در هنگام تبعید، دو چیز را به دعا طلب می‌کند: نخست، خوابی طولانی برای همسرش «اورمیلا»؛ خوابی چهارده‌ساله، یعنی به مدت زمان تبعیدش؛ و دیگری شب زنده‌داری و بیداری چهارده‌ساله برای خودش. هر دو خواسته برآورده می‌شود.

افسانه‌ی دیگر به «لکشمانا» برمی‌گردد؛ که هفت خط حامل به جای یکی رسم کرد؛ پیش از آن که او را به قهر ترک کند و به جست و جوی «راما» برود، که خود به شکار گوزن طلایی رفته بود. در این نسخه، همچنین توصیفی روشن و مجسم از «اینندراجیت» پسر «راوانا» و همسرش «سولوچانا» یافت می‌شود. «اینندراجیت» گرچه در سایر نسخه‌های هندی شخصیت برجسته‌ای نیست؛ اما در نسخه‌های مربوط به جنوب شرقی آسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «رامایانا»ی «تلگو» (رنگاناتا) می‌تواند سرنخ خوبی برای یافتن مذاهبی از «رامایانا»ی جاوه و مالزی به دست دهد.

سنت‌های روایت آوازی مشابهی نیز در دیگر بخش‌های هند رواج دارد؛ که هر یک نسخه [و برداشت] محلی خود را از «رامایانا» به کار می‌گیرند. آوازه‌خوانان «وی را کاسی» در میسور، نسخه‌ی «کنادا رامایانا» از «توراوایی» را که مربوط به قرن شانزدهم است به کار می‌گیرند. آوازه‌خوانان «کیرالا» نسخه‌ی مالایی را که یا «آدهیاتما رامایانا» و یا اغلب متن «جامپورامایانا» ست به کار می‌گیرند. به ندرت ممکن است



نمایش سایه‌ای: نبرد نهایی با «راوانا» - دهلی نو



«راوانا» در نمایش سایه‌ای

عروسک‌های راما، سیتا، هانومان و سوگرپوه - میسور، هند.



آوازه خوان، «راماناتام» را به عنوان متن «کاتاکالی» به کار برد. تک خوانان تأمل بسیار بر نسخه‌ی کامبوجی «رامایانا» تأکید دارند که مربوط به قرن دوازدهم است؛ و پایه‌ی اجراهای صحنه‌ای در «بهاراتانایام» قرار می‌گیرد. خوانندگان بنگالی نوع «رامایانا»ی «کریتی واسا» را به کار می‌برند که با نوع «تایی» و نسخه‌ی برمه‌ای شباهت زیادی دارد. در شرایطی که آواز خوانی «رامایانا» در کشمیر دیگر مرسوم نیست، یک نسخه‌ی حماسی قرن هجدهم به زبان کشمیری تا دهه‌ی چهارم قرن جاری رایج بود.

در میان انواع قدیمی آوازه خوانی و یا روایت «رامایانا» مهم‌ترین نسخه‌ی هندی، نسخه‌ی «تولسی داسا» است. این نسخه در سراسر شمال هند به صورت تک خوانی و آواز و بازی اجرا می‌شود. این نسخه، پس از نسخه‌ی «والمیکی» در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد و در جنوب هندوستان اهمیت آن با نسخه‌ی کامبوجی «رامایانا» برابر است. «رامایانای واراناسی» و چند نوع از نمایش‌های با صحنه‌ی گرد که در ماه‌های اکتبر و نوامبر در هر دهکده و شهری در شمال هند اجرا می‌شوند، با «رامایانا»ی «تولسی داسا» بستگی نزدیکی دارند.

فضایش سایه‌ای و انواع عروسک‌ها

نمایش سایه‌ای و اقسام نمایش خیمه شب بازی از نوع عروسک میله‌ای در هند بسیار فعال است. گرچه این نوع نمایش از نظر پالودگی و پیچیدگی و فلسفه‌ی آن، دچار کمبودهایی است؛ اما در مقابل سرشار از زندگی (زنده جانی) و تنوعی است که در مقایسه با انواع مشابه خود، مثل نمایش «وایانگ کولیت» نسبت به «نانگ اسپک» در اندونزی و مالزی، کامبوج یا تایلند برتری دارد. عروسک‌های دارای میله‌ی چوبی که مربوط به نمایش سایه‌ای «وایانگ کولیت» هستند و نیز عروسک‌های خیمه شب بازی برنامه‌ای در مناطق گوناگون هند یافت می‌شوند. «رامایانا» یا «راماکاتا» با آن گستردگی و تنوع منطقه‌ای بی‌کران خود، که داستان، متن، آواز و همراهی موسیقی و شیوه‌های اجرای گوناگون را در بر می‌گیرد، بی‌گمان نمایش‌ای سایه و نمایش عروسکی هند را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در واقع، نیروی زندگی این نوع نمایش چنان قوی است که رقص پردازان تئاتر مدرن، این گونه‌ها را در اجراهای نوین خود به کار گرفته‌اند.

در «راوانا» نمایش سایه‌ای «راواناکها» نامیده می‌شود؛ که در لغت به معنای سایه‌ی «اورسا» است. عروسک‌ها در این نمایش کوچک‌اند و از قطعات رنگ نشده‌ی پوست و چرم ساخته می‌شوند و سایه‌های مات و نیم‌رخ پدید می‌آورند. اگرچه این عروسک‌ها هیچ مفصل بندی خاصی در محل اتصال اعضا به بدن ندارند، اما با توجه به مهارت شایان توجه گرداننده‌شان، نمایشی موفقیت‌آمیز پدید می‌آورند. آوازه خوان «داساکاتیا» در این نمایش، یعنی نمایش «وایانگ کولیت» در «راواناکها» به «دالانگ» تبدیل می‌شود. دالانگ یک هنرمند

چند ارزشی است؛ که می‌تواند آواز بخواند، عروسک گردانی کند و نیز در پشت پرده‌ی کوچک خود برقصد. متن به کار رفته در اینجا نیز «اوریا ویکتیرا رامایانا» است؛ مانند همان که در «داساکاتیا» به کار می‌رود.

«تولو یومالاتا» به معنی رقص عروسک چرمی، نوعی دیگر از نمایش سایه‌ای است که توسط عروسک‌های بزرگ رنگی «بوراکاتا» در ایالت آندراپرادش اجرا می‌شود. متن این نمایش نسخه‌ی رامایانای آندراست. شکل عروسک شبیه به دیوار نگاره‌های معبد «لیاکشی» است و سایه‌های آن‌ها در مقایسه با «نانگ اسپک» غول‌آسا هستند. این عروسک‌ها از پوست شفاف و رنگ آمیزی شده‌ی گوسفند یا بز ساخته شده‌اند و بلندی آن‌ها یک متر یا بیشتر است.

نمایش سایه‌ای در میسور، که در لغت نمایش عروسک چرمی نامیده می‌شود، اجرای بصری دیگری از «کنادا رامایانا» است. در اینجا عروسک‌ها کوچک‌ترند و به بزرگی انواع «بومالاتای» ایالت آندراپرادش نیستند. گاهی اوقات یک عروسک، تمام صحنه‌ی نمایش را به عنوان یک تصویر ساکن می‌پوشاند. این تصاویر ساکن که از عروسک‌های منفرد حاصل می‌شوند، در به هم پیوستن صحنه‌های نمایشی پر تحرک کاربرد دارند؛ به این معنی که با کمک گرفتن از این شیوه، انتقال از یک صحنه به صحنه‌ی دیگر، به نرمی صورت می‌گیرد. نمایش سایه‌ای در میسور که حول مضمون اصلی داستان «راما» دور می‌زند، با نمایش «راما» که با عروسک‌های چوبی اجرا می‌شود وابستگی نزدیک دارد. عروسک‌های چوبی، به «ویتی پاکشا گانا» شباهت دارند؛ که خود گونه‌ی نمایشی دیگری در میسور است که با بزک‌های شیوه‌پرداز شده و به کارگیری کلاه‌های مزین ویژه‌ای شناخته می‌شود.

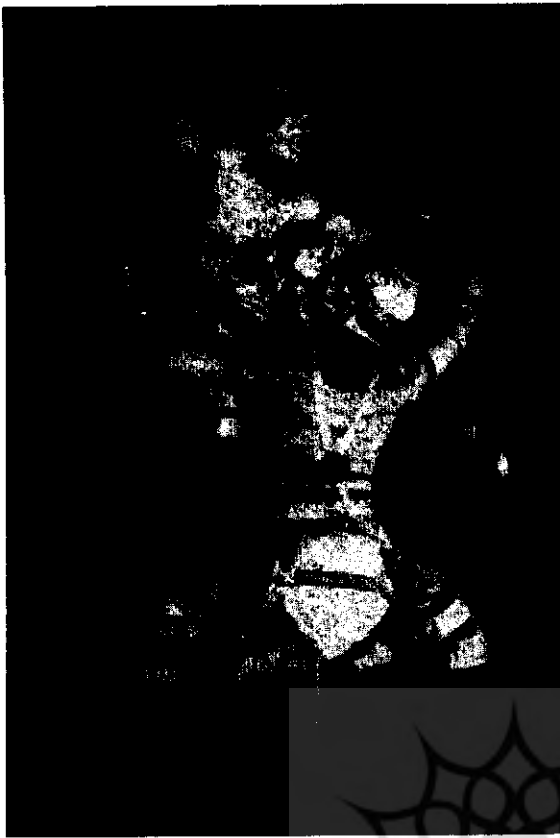
روایت آوازی، نمایش سایه‌ای، نمایش عروسکی و نمایش زنده با یکدیگر بستگی نزدیک دارند. روابط، تأثیرات متقابل و وام‌گیری‌ها بین این انواع به فراوانی دیده می‌شود. متن مشترک، موسیقی همراهی‌کننده‌ی تقریباً همانند، به همراه الگوهای طراحی‌چهره‌آرایی مشابه، به این نمایش‌ها ویژگی‌های بومی مشخصی می‌بخشد. «کرالا» و «تامیل نادو» نیز نمایش‌های عروسکی و سایه‌ی ویژه‌ی خود را دارند. نمایش سایه‌ای «کرالا» با عنوان «تول پاوه کوتو» (به معنای نمایش عروسک چوبی) خوانده می‌شود و نوعی نمایش دایره‌ای از داستان «راما» است که با همراهی خواندن قطعات منظوم نسخه‌های مالایایی «رامایانا» به آواز، اجرا می‌شود. نمایش عروسکی «تامیل نادو»، نسخه‌های معروف کامبوجی یا سایر نسخه‌های فرهنگ بومی را در بر می‌گیرد. می‌توان مثال‌های دیگری را نیز به این مجموعه افزود؛ اما نه ذکر آن‌ها در این مجال ضروری است و نه تحلیل شکل آن‌ها و مقایسه‌ی آن با دیگر انواع موجود در جنوب شرقی آسیا، ممکن. پس می‌توان به بیان این موضوع بسنده کرد که حتی این بررسی اجمالی، می‌تواند هر جست‌وجوگر فهیم در گستره‌ی سنن و هنرهای نمایشی هند را

قانع سازد که موضوع «رامایانا» در تمام انواع و اشکال و سبک های گوناگون این هنر موج می زند و زندگی می کند.

روایت آوازی، نمایش نور و سایه و نمایش عروسکی، همگی به هند رعیتی و روستایی تعلق دارند؛ و سبک های کلاسیک شیوه پردازی شده به هندوستان روشنفکر و خودآگاه. هردوی این ها به واسطه ی واژه ی شناخته شده ی آواز که از مرزهای اجتماعی- بوم شناسی و هرگونه سیاست گذاری فرهنگی می گذرد، با یکدیگر مرتبط می شوند. اکنون مرزها شکسته شده و حرکت، گفت و گو و تبادل بین انواع گوناگون هنر در لایه های گوناگون اجتماعی یک ناحیه، و نیز ارتباط بین هر سطح خاص در یک ناحیه با سطح همتایش در نواحی دیگر امکان پذیر گشته است.

تمامی انواع نمایش سایه ای، نمایش عروسکی و انواع سنتی نمایش که گرداگرد مضمون «راما» دور می زنند، از میان قرن ها ناآرامی و تنش های سیاسی و فراموشی و غفلت توده ها جان به در برده و به دنیای امروز رسیده اند؛ پس نیاز به حمایت داشته و دارند. در طول دهه های گذشته، این نمایش ها توجه قشر نخبگان فرنگ رفته و روشنفکر هندی را به خود جلب کرده اند. هر کشف جدید، ادراک جدید و آگاهی جدیدی از رسوم قدیمی را با خود به ارمغان می آورد و زمینه ای می شود تا گونه های هنری جدیدی در دستان هنرمندان خلاق و خودآگاه و نوگرا شکل گیرند و پای به عرصه ی وجود نهند.

در اینجا است که نمونه ای بارز از زندگی و پویایی فرهنگ دیده می شود. «فرهنگ»، از قله های اسطوره ای قشر متفکر و ممتاز جامعه به سوی توده ها جاری نمی شود، بلکه خود توده مردم و شیوه های هنری اجتماعی و بومی مردم پایین دست و عامی ست که همواره در کار زنده کردن، اعتبار دادن و توان بخشیدن به فرهنگ قشر روشنفکر است. «رامایانا» خود به عنوان عنصری زیربنایی، ابزار منحصر به فرد این ارتباط بوده است؛ و اعتبار و محبوبیت کنونی آن را باید وامدار گستردگی بی کرانی و ژرفای مفهوم آن و نیز توانایی آن برای ایفا کردن نقش یک رسانه ی ارتباط جمعی دانست. رسانه ای که نقشی مهم در ایجاد همگونی و بخشیدن هویتی واحد به هندوستان داشته است؛ شبه قاره ای که تعدد نژادها، ادیان، زبان ها و اشکال هنری آن زیانزد همگان است.



جنگ هانومان و شیطان در «راماکین» - روایت تایلندی رامایانا



جنگ «راما» و «راونا» - نقاشی سنتی در کامبوج

جنگ نهایی، در «راماکین» تایلند

